



۲۰۱۷/۰۲/۲۴

حامد نوید

نگاهی به آثار شکوهمند هده

قسمت اول

هرچند معبد شکوهمند هده جلال آباد دیگر وجود ندارد و مجسمه های عظیم بامیان توسط طالبان در مارچ سال ۲۰۰۱ ویران گردیدند و با آنکه نگاشتن این مبحث از نگاه عاطفی برایم سخت دشوار است، اما وظیفه خود میدانم که در باره آن آنچه را آموخته ام بنگارم تا باشد شکوهمندی آثار ناب هده که بیانگر غنای فرهنگی سرزمین کهنسال افغانستان است درین بررسی بازتاب یابد

همچنانی که روم و فلورانس دومرکز درخشش هنری در دوره عالی رنسانس ایتالیا (قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی) در اروپا شناخته میشد و با پشتیبانی خاندان مدیسی به اعتلا رسید، بهمین گونه نگارا و بهار یعنی



پورتریت یک زن ، هده، قرن سوم میلادی

ننگرهار قدیم و وادی بامیکان یا بامیان نیز براساس مؤثقی ترین اسناد دو مرکز عمده ثقافتی از (قرن دوم تا پنجم میلادی) در بلاد شرقی بحساب میرفت و سلسله شاهان کوشانی بازماندگان شان با حمایت بیدریغ خویش از هنر و هنرمند به این فرهیختگی می افزودند .

هده جلال آباد و آثار هنری آن:

آثار هنری ایکه در معبد هده واقع در جلال آباد از قرن دوم تا پنجم میلادی ایجاد گردیده، از زمره زیبا ترین و پرمحتوی ترین پدیده های هنر پیکره سازی در سرتا سر امپراتوری کوشانی شناخته میشد. این سبک هنری که مانند آثار باختر آبخورده از فرهنگ

باستانی آریانا آمیخته با دیگاه هلنستیک بود؛ افکار و فلسفه بودیزیم نوع مهیانه را با طرز دید تازه وبکری در قالب نابترین مجسمه ها و نقاشی های دیواری تبارز داد. با گسترش فتوحات کانیشکا بسوی حوزه اندوس و «پتالی پتورا» Pataliputra یا پتنه امروزی در جوار دریای گنگا در نیمه اول قرن دوم میلادی این سبک هنری منبع الهامی شد برای هنرمندان نیم قاره هند و آثار نابی به پیروی این شیوه در تاکسیلا و ماتورا پدید آمد که درین مورد مبحثی خواهیم داشت.

گرچه بصورت عمومی دوره اعتلای فرهنگی ساحة ننگرهار امروزی از قرن دوم تا پنجم میلادی معرفی گردیده، اما معبد پراز نقش و نگار «نگارا و بهارا» Nagara Vihara در سال ۳۴۹ پیش از میلاد مسیح حد اقل چهار قرن پیش از ظهور مکتب هنری ایکه غربیان، بخصوص انگلیسها آنرا «هنر گنده هارا» مینامند، در جلال آباد امروزی بناء گردیده بود که دلالت بر قدامت تاریخی آن مینماید.¹

ازینرو از نگاه منطق سیر حوادث تاریخی میتوان چنین استنباط کرد که ننگرهار کهن یکی از مراکز پخش این سبک هنری از طریق دره خیبر بسوی سرزمین های جنوب بوده است. زیرا گنده هارا در ده کیلومتری جنوب شهر جلال آباد واقع بوده و از نواحی کتر و ننگرهار تا پشاور، مردان، سوات و بخشهایی از تاکسیلا گسترده بود. این ایالت جزء قلمرو تاریخی شاهان ساکه، سلسله شاهان گندوفار و کوشانیان شمرده میشود. در مورد ارتباط نامهای کهن (گنده هار) و (گنده هارا) در بحث قبلی معلوماتی ارائه گردید، و اما گذشته های بسیار دور تاریخی آن یعنی عصر سلطنت شاهان کورو، از قبایل باستانی آریایی که در **مها بهاراته** ذکر گردیده شامل این مبحث نمیگردد.

یکی از دلایلی که عده ای از پیروان بودا بعد از انشعاب آن کیش به بخشهای هنایانا و مهاییانا مجمله بودا را گرفتند و به ننگرهار پناه آوردند، داستان حمایت شهریار دلیر و نیرومند ننگرهار **ویجرینی** از شهزاده **سیدهارتا** در زمان حیات وی بود که این خاطره را بودانیان گرامی میداشتند. ویجرینی برای راهبان این سلک قهرمانی بود که بودا از وی در وراستگی و شجاعت الهام میگرفت. بر علاوه به اساس اسطوره های این کیش راهبان به این باور بودند که بودا به حمایت ویجرینی شخصاً به ننگرهار آمده و در آنجا از دهایی را از دم تیغ کشیده است. ازینرو این ساحة برایشان تقدسی داشت و بهمین دلیل مجمله بودا را در آنجا نهادند و برفراز آن معبدی افراشته شد که بنام معبد هده یاد میگردد. این واقعه باید در حوالی سال ۳۴۹ ق.م یعنی تقریباً یک قرن پیش از بودایی شدن آشوکا شاه هند صورت گرفته باشد. کلمه هده معمولاً در زبان دری برگرفته شده از اصطلاح «هد وکا» Haddoka به معنی (استخوان کاسه سر) در زبان سانسکریت است که در پشتو هدوکی تلفظ میگردد.²

معبد هده پس از معبد نو بهار بلخ یکی از کهن ترین نیایشگاه های بودایی در گسترده فرهنگی میان آکسوس (آمو دریا) و اندوس (حوزه سند) بود و حتی قبل از به قدرت رسیدن کوشانی بحیث یک مرکز بزرگ تعلیمی، مکتب فکری مهاییانه بحساب میرفت. از آنجاییکه در معبد هده متبرکاتی (چون مجمه، موی سر و چند دندان بودا) قرار داشت ساحة ننگرهار برای تمام پیروان بودا در هند، نیپال جایگاه مقدسی شناخته میشود و حتی زائرینی از چین

¹ Historical Sketch of Buddhism and Islam in Afghanistan by Alexander Berzin

November 2001, revised December 2006

در زبان دری افغانستان کلمه هدیره به معنی آرمگاه یا گورستان از همین ریشه آمده است که عده آنرا به شکل نادرست با (ض) عربی حضیره مینگارند، اما در زبان عربی کلمات حضیره و حظیره معانی دیگری غیر از دفنگاه دارد.

و شرق دور پس از اطراق در بامیان به ننگرهار می آمدند. زائران چینی تمام ساحه جلال آباد کنونی، تپه یا نگارا و بهارای باستان یعنی از تپه بیماران تا مناطق ماورای هده را ساحه مقدسی میپنداشتند و در مورد پیکره های زیبا و تبرکات آن یاد داشتهایی دارند و آنرا شهری پر نفوس با راهبان فراوان و معابدی شکوهمند مزین با زیباترین پیکره ها و متبرکات آئین بودایی خوانده اند.

در سده نهم در حوالی سال ۱۸۴۷ چارلس مانسون سیاح انگلیس که به دنبال متبرکات بودایی بود معبد هده را از نزدیک دید و در مورد آن یاد داشتهایی نگاشت. او و مرد برتانوی دیگری بنام کورت نخستین اروپائینی بودند که پیکره های بینظیر معبد هده و گنجینه هایی را که برای پیروان کیش بودایی تقدسی داشته، شناسائی نمودند و قرار معلوم جعبه طلایی نگهداری تبرکاتی را از تپه بیماران جلال آباد به برتانیا بردند. این جعبه طلایی که مزین با نگینه های یاقوت است و در آن تمثال برجسته بودا و

نقشهای برجسته یک زن و یک مرد در حال حرمتگزاری به وی دیده میشود، اکنون در موزیم برتانیا قرار دارد.³ خصوصیات هنر هلنستیک و نهادن نقشهای انسانها در میان رواقهای نیم دایره نی که با رواقهای بزرگتر احاطه شده این اثر را از نگاه کامپوزیش یا ترکیب هنری پدیده نهایت دلچسپ میسازد. تزئیناتی چنین در کلیسا های قرن یازدهم تا چهاردهم اروپا با رواقهای رومنسک (با سرنیم دایره) و رواقهای گوتیک (با سرنوکدار و نعل مانند) وجود دارد، اما نکته جالب درین جاست که این طرح در حوالی قرن دوم و سوم میلادی، چگونه درین جعبه زرین بکاررفته است.

عین طرح هنری در ستوپه شاه خیل غوندی جلال آباد مربوط ساحه معبد هده دیده میشود که پیکره های بسیار ظریف شاهان

جعبه تبرکات طلایی افغانستان، موزیم برتانیا، قرن دوم میل



و ملکه ها و یا مردمان صاحب نفوذ آندوره را در میان رواقهای با طرح های بدیع نشان میدهد.

آثار نهایت زیبایی ستوپه شاه خیل غوندی مربوط به قرن دوم و سوم میلادیست. اینکه این طرز فکر هنری با طرح مشخص آن چگونه در اروپا در قرون یازدهم تا چهاردهم میلادی با محتوی دیگری یعنی آئین مسیحیت گسترده است، شاید ریشه لسنستیک داشته باشد، اما شباهت شگرف آن با آثار ننگرهار هزاران فرسخ دور از سرزمینهای غربی، نکته بسیار جالبیست. این موضوع توج زیادی را بخود معطوف کرده، بخصوص اینکه آثار هنری جلال آباد حد اقل نه قرن نسبت به کلیسا های عصر گوتیک اروپا قدامت دارد.



قسمتی از تزئینات دیواری کلیسای پینتر بورو Peterborough با رواقهای نوکدار و پیکره های سنگی سبک گوتیک، قرن دوازدهم میلادی، انگلستان

نمونه ای از آثار هنری شاه خیل غوندی در موزیم گیومه پاریس، قرن دوم میلادی:

با آنکه از نگاه اندازه مجسمه ها و رواقهای قرون وسطی اروپا بزرگتر از پیکره های ظریف ستوپه شاه خیل غوندی هستند، اما درین مقایسه مراد از شیوه کار و طرح پدیده های هنریست نه خوردی و بزرگی آن. بهر حال آنچه معبد هده جلال آباد را در میان معابد بودایی منطقه ممتاز میساخت موجودیت استخوان کاسه سر بودا درین نیایشگاه بود. ازینرو زائران چین معبد هده را در یاد داشتهای خود «معبد هیلو» و گاهی هم «معبد هیرو» نگاشته اند که هر دو تلفظ برای آنها معنی استخوان سر را میداده است، چنانچه زائرچینی (فه هیشن) Fa-hsien که درحوالی سال ۴۲۰ میلادی از این عبادتگاه دیدن نموده چنین مینگارد:

"کاسه سر بودا ب اورقی از طلای ناب پوشیده شد و بر علاوه نقره کاری با احجار گرانبهائی چون یاقوت، لاجورد، کریستل و عقیق مزین میباشد. شاه این کشور حرمت زیادی به آن قایل است و ازینرو هشت تن از هشت خانواده با حشم و با حیثیت مملکت را موظف به نگهداری استخوان سر بودا نموده است. هر یک آنها مهری بدست دارد. آنها هر صبحگاه به معبد می آیند و پس از معاینه مهرها درب عبادتگاه را میکشایند، سپس دستان شانرا



میشوبند و مجسمه بودا را به محوطه بیرون معبد می آورند. استخوان سر بودا را بالای سکوی بلندی که قسمت بالایی آن مدور است و با هفت پارچه گرانبها پوشش یافته میگذارند، و پس از ادی مراسم خاصی آنرا باکاسه برنجی مزین با جواهرات میپوشانند.

در عهد امپراتوری کوشانیها ساحه تاریخی **ننگرها** را که بر سر شاهراه تجارتي میان هند و آسیای میانه قرار داشت، به نقطه وصلی مبدل گشت برای انتقال ارزشهای فرهنگی کابل، کاپیسا و بامیان به پارشه پورا (پشاور) و از آنجا به تاکسیلا و شمال نیم قاره ند. ازینرو نیایشگاه هده از نگاه قدامت و همچنان از نگاه اهمیت نسبت به معابد بودایی پشاور، تاکسیلا و شهر ماتورا در ایالت اترپردیش هند رجحان داشت. به اساس نوشته های زائران چینی شاهان و شهریاران کشور های دور و نزدیک حد اقل سال یکی دو بار به معبد هده می آمدند و در آنجا نذر ها و نیازهایی پریا میکردند.⁴ (فه هیشن) Fa-hsien مینگارد:

"شاهان و فرستادگان شان از راه های دور با هدایایی گرانبها به معبد هیلو (هده) می آمدند و در مراسم نذر دهی و دعا شرکت میکردند."⁵

کشف معبد هده :

قبل از بررسی خصوصیات هنری آثار ناب هده لازم می افتد تا نظر گذرایی به پس منظر تاریخی حفریات این ساحه باستانی بیاندازیم:

پس از کاوشهای خودسرانه و غیر رسمی بر تانیوی ها در قرن نهم، حفریات رسمی و قانونی به امر و هدایت مستقیم شاه امان الله توسط هیأت باستان شناسی فرانسوی DAFA در سال ۱۹۲۳ آغاز یافت که پرده از موجودیت گرانبها ترین و غنی ترین آثار هنری در ولایت ننگرها برداشت و عظمت مدنیت باستانی آریانه را در جنوب کهساران هندوکش شرقی آشکار نمود. آلفرد فوشه (باستان شناس) و پرفیسور گودارد (استاد تاریخ هنر)، نخستین کسانی بودند که در آغاز سده بیستم در حدود ۱۳۰۰ اثر نهایت زیبا و نفیس هنری را از تپه کلان معبد هده کشف کردند. این آثار ناب در عهد پادشاهی شاه امان الله به موزیم کابل انتقال یافت و باعث غنای آن گردید.

در سال ۱۹۲۹ پس از سقوط دولت امانی آثار ظریفتری شامل پیکره تراش یافته از سنگ سفید از ستوپه شاه خیل غندی جلال آباد توسط ژولین بوردو Julien Barthoux باستان شناس فرانسوی استخراج شد و همه به موزیم گیومه پاریس انتقال یافت. ژولین آندره بوردو علت آنرا حالت اغتشاش و خلای سیاسی در عدم موجودیت یک حکومت مسئول در افغانستان خواند. آثار ناب هنری استوپه شاه خیل غندی ولایت ننگرها تا کنون در موزیم گیومه پاریس زیر عنوان **هنر قدیم افغانستان** در معرض نمایش دائمی قرار دارد.

⁴ از آنجاییکه محققین پاکستانی به اهمیت تاریخی معبد هده آگاه بودند، شاید یکی از دلایل ویران شدن این معبد باستانی توسط احزاب بنیادگرای اسلامی مستقر در پاکستان در دهه جهاد، موضوع قدامت تاریخی و اهمیت آن نسبت به آثار بودایی پاکستان باشد، ورنه قوماندانهای جهادی سرخ رود و جلال آباد سالها درین منطقه زندگانی نموده و کاری به آثار تاریخی ولایت ننگرها نداشتند.

⁵ مرحوم پوهاند حبیبی شرح مینوتی در مورد یاد داشتهای زائران چین در افغانستان دارد و همچنان خانم ننسی دوپری در کتاب "رهنمای تاریخی افغانستان" مطلب ارزشمندی درینمورد نگاشته است.

Habibi Abdulhai, Chinese Travelers in Afghanistan, Alama Habibi Studies Center, 2005.

Dupree Nancy, An Historical Guide to Afghanistan, Afghan Tourist, Org. Kabul, 1971.

در سال ۱۹۳۳ تحقیقات باستانشناسی توسط تیم فرانسوی در هده دوباره شروع گردید. در جریان حفريات مؤرخ بزرگ افغانستان جناب احمد علی کهزاد نیز قدم به قدم با تیم باستان شناسان همراهی داشت که یاد داشتهای وی درزمینه، پر از معلومات دقیق میباشد. در نتیجه حفريات در تپه شتر جلال آباد که نباید با تپه شترک کاپیسا مغالطه گردد بیش از ده هزار مجسمه های خورد و بزرگ از زیر خاک بیرون شد. یک تعداد زیاد آثار تاریخی این مرحله حفريات به موزیم ملی افغانستان انتقال یافت و یکتعداد آن به اساس توافقات قبلی میان دو کشور بنام هنر قدیم افغانستان در موزیم های فرانسه به نمایش گزارده شد. در سالهای بعد در اثر کاوشهای علمی باستان شناسان افغان مانند شاد روان شاهی بای مستندی و داکتر زمریالی طرزی با همکاری کاوشگران فرانسوی آثار ناب بیشتری از تپه کلان هده بدست آمد. مجموعه آثار هنری ای که از معبد هده و مربوطات آن تا کنون بدست آمده بالغ بر ۲۵۰۰۰ اثر میگردد که این رقم سابقه فرهنگی بسیار غنی یی این ساحه افغانستان را گواهی میدهد. همچنان برتانوی ها یک کوزه مزین با خط خروشتی را از معبد هده آورده بودند که در آن باستانی ترین سوتره^۶ (جملات مؤجز) بودایی به زبان گندهاری نگاشته بود که این امر دلالت بر موجودیت معبد هده در قرن اول میلادی و یا چند سده قبل از آنرا می نماید.

پایان قسمت اول



این متن کهن مربوط به قانون (سروه استی وادا) *Sarvāstivāda* با ریشه سانسیکریت ارتباط منطقی و قانونمند پدیده ها را در گذشته، حال و آینده شرح میدارد که بگونه ای همانا توضیح چرخ دهارما یعنی بازگشت همه چیز به نقطه آغاز، یا به اصلش میباشد.